حاجی پور، حامد؛ برخورداری، رمضان؛ کشاورز، سوسن (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش‌وپرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب.
پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت،۸ (۱)، ۱۵۹-۱۳۶.
DOI: 10.22067/fedu.v8i1.63384

تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش‌وپرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب

حامد حاجی پور[۱]، رمضان برخورداری[۲]، سوسن کشاورز[۳]

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش اساسی است که زبان در ارتباط با امر جنسی چگونه به کار می‌رود و این چگونگی چه تصویری از آن را ترسیم کرده و به کدام اصول و روش‌ها در تربیت جنسی گرایش بیشتری دارد. در این پژوهش، پیچیدگی‌های کاربرد زبان در تربیت جنسی و نیز ضرورت درک زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در این نوع نگاه به تربیت جنسی به ویژه اثر ساختار قدرت در این سبک از کاربرد زبان موردنظر قرار گرفته است. وضعیت موجود ناظر به متونی است که همچنان از اعتبار قانونی برخوردار بوده و قابل استناد می‌باشند. برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر رویکرد نورمن فرکلاف بهره گرفته شد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که گفتمان حاکم بر تربیت جنسی آموزش‌وپرورش ایران را باید «گفتمان مهار» نامید. از ویژگی‌های این گفتمان در تربیت جنسی توجه بیشتر به جنبه‌های سلبی تربیت جنسی می‌باشد. بازنمایی این گفتمان از واقعیت میل جنسی به گونه‌ای است که بیش از آنکه به فرصت‌های میل جنسی در زندگی سعادتمندانه متربی نگاه کند به تهدیدهای غریزه جنسی توجه دارد.

واژه‌های کلیدی: تربیت جنسی، گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی، روش‌های سلبی، روش‌های ایجابی

۱. دانش آموخته دانشگاه خوارزمی، hhajipoor@yahoo.com
۲. استادیار دانشگاه خوارزمی، ramazanbarkhordari@gmail.com
۳. استادیار دانشگاه خوارزمی

مقدمه

در موضوع تربیت جنسی می‌توان از دو زاویه متفاوت ورود پیدا کرد. نخست، نگاهی تجویزی که وضعیت مطلوب تربیت جنسی را با پذیرش یک نگاه فلسفی یا دینی خاص ترسیم می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که تربیت جنسی باید چنین باشد و چنان نباشد. نگاه دیگر، توصیفی- تبیینی است. بدین معنی تبیین وضع موجود تربیت جنسی با دیدی تحلیلی مورد توجه واقع شده است به‌طوری‌که بتوان مبانی و پیش‌فرض‌ها و گرایش اساسی آنچه در حال حاضر عمل شده و واقع می‌شود را تشخیص داد و آشکار کرد.

حال اگر بپذیریم یکی از مهم‌ترین جلوه‌های واقع شدن در زبان رخ می‌دهد و تمام آن چیزهایی که زبان در مورد آنها به کار می‌رود، صورتی از واقع شدن را تجربه می‌کنند بنابراین بررسی نقش زبان و شکل کاربرد آن در تربیت جنسی موضوعی قابل توجه خواهد شد.

نظام‌های تربیتی پس از اینکه در ذهن نظریه‌پردازان انسجام منطقی لازم را یافته و طراحی شدند آنگاه که از ذهن خارج می‌شوند صورتی از واژه‌ها و گزاره‌ها را به خود گرفته و در قالبی زبانی بیان می‌شوند. این قالب زبانی لزوماً گزارش دقیقی از واقع نبوده و متأثر از ارزش‌ها و گرایش‌های کاربر و نیز بسترهای اجتماعی- سیاسی کاربرد آن می‌باشد و با تغییر هر یک، بازنمایی زبان از امر واقع متفاوت خواهد شد. ازاین‌رو، هدف اصلی پژوهش حاضر این است تا با متن پژوهی مبتنی بر روش تحلیل گفتمان انتقادی[1] نقش و کارکرد زبان را در ارتباط با امر جنسی مورد بررسی قرار دهد.کاویدن زمینه‌های اجتماعی سیاسی این نوع کاربرد زبان در تربیت جنسی آموزش‌وپرورش ایران موضوع بعدی است که مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب، سؤال‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱) دال‌های اساسی در تربیت جنسی نظام آموزش‌وپرورش ایران کدامند؟

۲) تدوین‌کنندگان و مخاطبین متون تربیت جنسی در نظام آموزش‌وپرورش ایران چه کسانی و نهادهایی هستند؟

۳) متون و گزاره‌های تربیت جنسی در آموزش‌وپرورش ایران بر اساس کدام شرایط اجتماعی و فرهنگی، نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها تولید شده‌اند؟

در بررسی متون نیز صریح‌ترین دلالت‌های متن در تربیت جنسی مورد توجه واقع شده است. دلالت‌هایی که می‌توان با کمترین تفسیر آنها را در ارتباط با تربیت جنسی دانست.

1. Critical Discourse Analysis

روش

تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فلسفی ریشه در نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین[1] متأخر دارد و از دیدگاه زبان شناسانه ساختارگرای سوسوری[2] نیز تأثیر پذیرفته است. از حیث انتقادی بودن و نگاهی که به نقد قدرت دارد نمی‌توان سهم میشل فوکو[3] را در پایه‌ریزی مبانی نظری آن نادیده گرفت. یکی از نظریه‌پردازانی که توانست بر بنیاد مبانی نظری و تاریخی پیش گفته، یک روش مدون تحقیق ذیل عنوان تحلیل گفتمان انتقادی ارائه نماید، نورمن فرکلاف[4] است. نورمن فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی یک روش سه مرحله‌ای را پیشنهاد می‌کند. این سه مرحله عبارت‌اند از توصیف، تفسیر و تبیین. «چنین تحلیلی باید بر ویژگی‌های زبان متن (متن)، فرایندهای مرتبط به تولید و مصرف متن (پرکتیس گفتمانی)، و پرکتیس اجتماعی گسترده‌تری که آن رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (پرکتیس اجتماعی) تمرکز یابد.» (Jorgensen & Fillips, 2010, P. 123) .

در مرحله توصیف، تحلیل‌گر به دنبال نشان دادن اثر ایدئولوژی در ظاهر متن است. در این مرحله تحلیل‌گر سعی می‌کند با نشان دادن انتخاب‌های گفتمان مدار متن (نوع انتخاب و چینش واژگان و ساختار متن) اثر ایدئولوژی را در ظاهر متن نشان دهد. مرحله تفسیر نیز شامل دو مرحله تفسیر بافت موقعیتی و تفسیر بافت بینامتنی است. تفسیر بافت موقعیتی نشان می‌دهد که چه کسانی متن را تولید کرده و متن به مصرف چه کسان دیگری می‌رسد. اینکه تدوین‌کنندگان و مخاطبین متن(کنشگران گفتمانی) دارای چه ارزش‌ها و آرمان‌هایی هستند و نحوه خاص کاربرد زبان چه ارتباطی با آن ارزش‌ها برقرار می‌کند در این مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرد. اینکه متن از چه متون دیگری تأثیر گرفته و در شکل‌گیری آن تا چه حد صدای متون پیشین شنیده می‌شود، هدف تفسیر بافت بینامتنی است. در مرحله سوم، تحلیل بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر متن متمرکز شده و به آشکار کردن فراروایت‌های حاکم بر متن و بسترهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌پردازد. بدین ترتیب، مفهوم تحلیل و سطوح تحلیل در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مشخص می‌شود.

مروری بر گرایش‌ها و گفتمان‌های تربیت جنسی

بررسی گرایش‌ها و گفتمان‌های تربیت جنسی بدون در نظر گرفتن متافیزیک امر جنسی امکان‌پذیر نیست. همواره دو نگاه فلسفی به امر جنسی وجود داشته است: فلسفه بدبینانه و فلسفه خوش‌بینانه. از نگاه

---

2. Wittgenstein
3. Saussure
4. Faculty, M
5. Fairclough,N

بدبینانه، علاقه جنسی به یک فرد او را در حد یک شیء تنزل می‌دهد. اغفالگری جزء مقدمات رابطه جنسی محسوب می‌شود و فرد در یک رابطه جنسی هویت انسانی خویش را از دست می‌دهد. لذت جنسی تنها ازآنجاکه مقدمه تولیدمثل است مورد توجه قرار می‌گیرد. باید غریزه جنسی را به اجبار هدایت کرد. اما از نگاه خوش‌بینانه رابطه جنسی موجب مستحکم‌تر شدن پیوند عاطفی بین دو طرف شده و لذت جنسی موضوعیت داشته و هدف است. بنابراین، ارضای جنسی محدود به ازدواج نبوده و تولیدمثل یکی از کارکردهای میل جنسی است (Soble, 2009). این دو نگاه را باید دو جانب افراط و تفریط طیفی از دیدگاه‌ها دانست که در خصوص متافیزیک امر جنسی مطرح می‌شوند. نگاه بدبینانه به طور کامل به دنبال نادیده انگاشتن امر جنسی و حذف و طرد آن است و فقط از حیث تولیدمثل به آن نگاه می‌کند. در مقابل، نگاه خوش‌بینانه به صورت افراطی سعی در حذف محدودیت‌ها و ارضای کامل آن داشته و اساساً لذت محور است. این‌ها دو سرحدی یک طیف هستند و حالت‌های میانه‌ای را نیز می‌توان در این طیف تصور کرد که یا گرایش بیشتر به سر بدبین طیف و یا در مقابل گرایشی به سمت سر خوش‌بین طیف دارند.

بر این اساس نگاه بدبینانه بر اصول و روش‌هایی در تربیت جنسی تأکید دارد که هدف آن ایجاد محدودیت در ارضای جنسی بوده (رویکرد سلبی) و در مقابل تربیت جنسی مبتنی بر نگاه خوش‌بینانه اصول و روش‌هایی را مورد تأکید قرار می‌دهد که تسهیل گر ارضای جنسی باشند (رویکرد ایجابی). نگاه‌های میانه نیز بر این اساس که بیشتر محدودیت جنسی را توصیه می‌کنند و آن را در اولویت قرار می‌دهند یا تسهیل ارضای جنسی را مدنظر قرار داده و به راهکارهای مبتنی بر آن اهمیت می‌دهند، باید تحلیل شوند. به‌عبارت‌دیگر، در این وضعیت‌ها با ترکیبی از اصول و روش‌های سلبی و ایجابی مواجه خواهیم بود. به طور نمونه، ممکن است در نظامی از تربیت جنسی، ضمن اینکه خانواده گرایی نفی نمی‌شود، داشتن روابط جنسی قبل از ازدواج و حتی بعد از ازدواج با توجیه‌های مختلف پذیرفته شود. به طور مسلم، چنین نظامی ارضای جنسی را در مرکز اهمیت قرار داده و سایر ارزش‌ها و اصول خود را پیرامون آن می‌بیند. در چنین نظامی، همسر شرعی و قانونی فرد عضوی از مجموعه بزرگ‌تری است به نام شریک جنسی که لزوماً به مفهوم همسر شرعی و قانونی فرد نبوده و حتی لازم نیست غیر هم‌جنس باشد. در مقابل، می‌توان نظامی دیگر از تربیت جنسی را تصور نمود که خانواده گرایی در مرکز توجه آن قرار داشته و هرگونه رابطه جنسی خارج از خانواده، خواه قبل و خواه بعد از ازدواج رد می‌شود و تنها به همسر شرعی و قانونی و غیر هم‌جنس فرد محدود می‌شود. واضح است که مثال اول نزدیک به فلسفه‌های خوش‌بینانه به امر جنسی است و مثال دوم گرایش آشکاری به فلسفه‌های بدبین به امر جنسی دارد.

نتایج چنین نگاه‌هایی تنها مختص به شکل ارضای جنسی در چارچوب خانواده یا خارج از آن نیست. نگاه خوش‌بینانه منجر به روش‌هایی در تربیت جنسی می‌شود که متربی نسبت به میل جنسی و عواطف و احساسات جنسی خود از اساس نگاهی مثبت داشته و آن را به عنوان فرصتی برای زندگی سعادتمندانه خود بشناسد. در مقابل، نگاه بدبینانه منتهی به روش‌هایی در تربیت جنسی می‌شود که توجه مخاطب بیشتر به تهدیدها و مخاطره‌های غریزه جنسی معطوف شده و آن را به عنوان جنبه‌ای حیوانی از زندگی خویش محسوب می‌کند که باید به عنوان شری ناگزیر که بقای نسل بشر در گرو آن است، به آن تن داد. به این ترتیب ممکن است با دو نظام تربیت جنسی متفاوت مواجه باشیم که برحسب اتفاق، هر دو ارضای جنسی را به دوره‌ای خاص از زندگی فرد محدود می‌کنند، اما یکی با رویکردی سلبی و دیگری با رویکردی ایجابی. این برداشت‌ها از متافیزیک امر جنسی، مولد گفتمان‌های گوناگون در تربیت جنسی خواهند بود.

چهار گرایش یا گفتمان را می‌توان در تربیت جنسی برشمرد. گفتمان محافظه‌کار که اساس آن انتقال ارزش‌های موجود به متربی در تربیت جنسی است. این گفتمان بر دوگانه زن- مرد در رابطه جنسی تأکید دارد و زهد اخلاقی و مذهبی، خویشتن‌داری پیش از ازدواج و خانواده گرایی را مورد توجه قرار می‌دهد. بر اساس گفتمان لیبرال که هدف آن ایجاد زمینه کافی برای بروز فردیت و علایق شخصی متربی می‌باشد، هر آنچه انتخاب شخص را محدود کند ضد تربیت مطلوب محسوب می‌شود، رابطه جنسی می‌تواند از دوگانه زن- مرد عبور کند، دستورات مذهبی محوریت ندارند و آمیزش امن و بی‌خطر مورد توجه است. در گفتمان انتقادی که اساس آن ایجاد عدالت و برابری است و به گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند هم‌جنس‌گراها توجه می‌کند، امر جنسی به مثابه امری سیاسی تلقی شده و غیر هم‌جنس‌گرایی در رابطه جنسی به عنوان راهی که نظام قدرت از طریق آن به بی‌عدالتی و تبعیض دامن می‌زند، طرد می‌شود. آخرین گفتمان مطرح، گفتمان پست‌مدرن می‌باشد که هرگونه حقیقتی فراتر از فرهنگ را نپذیرفته و هنجارهای جنسی موجود را میراث فرهنگ مردسالارانه و ضد هم‌جنس‌خواهانه معرفی می‌کند. از این دیدگاه، همه الگوهای مختلف رابطه جنسی هم‌عرض بوده و هیچ برتری نسبت به یکدیگر ندارند.(Jones, 2011)

بر اساس آنچه گذشت، تنها گفتمان محافظه‌کار است که قائل به دوگانه زن- مرد در رابطه جنسی بوده و خانواده گرایی را مورد تأکید قرار می‌دهد و سایر الگوهای رابطه جنسی را نفی می‌کند. از سوی دیگر، تنها در گفتمان لیبرال است که خواسته‌های فرد در اولویت قرار گرفته و لذت فردی در رابطه جنسی حائز اهمیت ویژه می‌شود و انواع روابط جنسی در راستای تأمین خواسته‌های متربی مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، گفتمان محافظه‌کار بیشترین گرایش را به فلسفه بدبینانه داشته و گفتمان لیبرال نزدیکی زیادی به

فلسفه خوش‌بینانه دارد. هرچند نمی‌توان گفتمان‌های انتقادی و پست‌مدرن را کاملاً دارای رویکردی خوش‌بینانه دانست اما ازآنجاکه در شکل ارتباط جنسی تنها به ارضای جنسی در چارچوب خانواده مقید نبوده و سایر انواع رابطه جنسی را نیز با توجیه‌های متفاوت می‌پذیرند، باید معطوف به سر خوش‌بین طیف دانست هرچند که لذت و ارضای جنسی در این گفتمان‌ها مانند گفتمان لیبرال مرکزیت ندارند.

بر اساس آنچه در تحلیل متافیزیک امر جنسی و نیز گفتمان‌های تربیت جنسی بیان شد در این پژوهش برای تحلیل متون در مرحله توصیف این پرسش موردنظر قرار گرفته است که واژه‌های به‌کاررفته در متون موردمطالعه بیشتر ترسیم‌کننده نگاهی بدبینانه به امر جنسی هستند یا خوش‌بینانه؟. همچنین بر اساس نشانه‌های به دست آمده در مرحله توصیف و تفسیر بافت بینامتنی، آیا متن را باید متمایل به گفتمان محافظه‌کار تلقی کرد یا دارای گرایشی آشکار به گفتمان لیبرال در تربیت جنسی؟ به‌بیان‌دیگر، صدای کدام‌یک از این دو گفتمان در متن مورد تحلیل طنین بیشتری دارد؟

پیشینه پژوهش

نظر به اینکه تاکنون پژوهشی به زبان فارسی مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی در زمینه تربیت جنسی یافت نشد، لذا در این پژوهش، تنها به بررسی سه نمونه از پژوهش‌هایی که در این زمینه به زبان انگلیسی انجام شدند، پرداخته می‌شود.

مورفی[1] (۲۰۱۲) در پژوهشی با رویکرد تحلیل گفتمان فوکویی، به این پرسش پرداخته است که چگونه برنامه درسی تربیت جنسی جاری در مدارس انگلستان، انتظارات جوانان از تجارب جنسی را شکل می‌دهد. به عقیده او این برنامه که مبتنی بر هنجارهای دگرجنس خواهی است و بر مبانی اخلاقی خانواده و ازدواج تأکید می‌کند، گستره وسیعی از خواسته‌های جوانان در ارتباط با جنسیتشان را در نظر نگرفته و به علت شهوت زدا بودن محتوایش مخاطره‌آمیز است.

در پژوهش دیگری در آفریقای جنوبی، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی این مسئله پرداخت که با وجود نرخ رو به رشد جرائم جنسی، دلایل سکوت معلمان در اجرای برنامه درسی مصوب «راهنمای زندگی» در زمینه آموزش جنسی چیست؟ یافته‌های پژوهش سه عامل اساسی را شناسایی کرد: نخست، تجربه کم، سن کم و جنسیت معلم در مواردی مانع مطرح کردن آموزش‌های جنسی شده است. دوم، عقاید و تابوهای فرهنگی معلمان خود به عنوان یک مانع برای آموزش جنسی شده است و

1. Murphy

سوم اینکه، معلمان احساس می‌کنند فرهنگشان در آموزش‌های رسمی انعکاسی نداشته بنابراین در اجرای آن مقاومت می‌کنند (Tshelane, 2014).

پژوهش دیگری در انگلستان با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی این موضوع پرداخت که نویسندگان متون درسی مربوط به تربیت جنسی از چه راهبردهایی جهت مشروعیت بخشی به تربیت جنسی در این متون استفاده می‌کنند؟ او با بررسی برخی متونی که در این زمینه نوشته شده‌اند پنج راهبرد را اساسی می‌داند که عبارت‌اند از: موقعیت ویژه، طبیعی سازی، تسهیل کردن، ضرورت، زمینه‌سازی و تفسیر مجدد[1] (Oakley, 2013). مروری بر این مطالعات نیز حاکی از ظرفیت‌های روش تحلیل گفتمان انتقادی در پژوهش‌های تربیتی به ویژه موضوع تربیت جنسی می‌باشد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که چگونه با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان به لایه‌های زیرین و ارزش‌های ضمنی عمل تربیتی پی برد.

مروری بر متون تحلیل شده و طبقه‌بندی آنها

برای دستیابی به متون مرتبط با تربیت جنسی در آموزش‌وپرورش ایران، کلیه اسناد و متون مختلف به ویژه در حوزه‌های مختلف وزارت آموزش‌وپرورش مانند معاونت‌ها، دفاتر وزارتی، ادارات کل و سازمان‌های تابعه وزارت آموزش‌وپرورش که به نظر می‌رسد تربیت جنسی می‌تواند به نوعی در محدوده وظایف آنها بگنجد مورد بررسی قرار گرفتند. این بررسی اولیه نشان داد هرچند هیچ متن مشخص و معین مرتبط با تربیت جنسی در آموزش‌وپرورش ایران وجود ندارد، اما در اسناد گوناگون سرنخ‌ها و نشانه‌هایی را می‌توان یافت که آشکارکننده نگاه حاکم بر تربیت جنسی در نهاد آموزش‌وپرورش در وضعیت فعلی می‌باشد. ازاین‌رو، با تحلیل این نشانه‌ها به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی سعی شد تا ارزش‌ها و نگاه حاکم بر تربیت جنسی در آموزش‌وپرورش ترسیم شود. متون مورد بررسی در جدول (۱) نشان داده شده است. این متون از حیث میزان اعتبارشان در سه دسته تقسیم‌بندی شدند: دسته اول اسنادی هستند که توسط بالاترین نهادهای سیاست‌گذار در ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش‌وپرورش مصوب شدند و دارای ابلاغیه یا تأییدی از جانب رئیس‌جمهور یا وزیر آموزش‌وپرورش می‌باشند و مخاطبان آنها شامل کل نظام تعلیم و تربیت است. اسناد مبانی نظری تحول بنیادین، سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی و اسناد مربوط به هدف‌های دوره‌های تحصیلی و نیز راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی در این دسته قرار می‌گیرند. اعتبار این اسناد درجه یک محسوب می‌شود.

1. Rcontextualization

گروه دوم اسنادی هستند که مورد تصویب نهادهای عالی سیاست‌گذار قرار نگرفته‌اند و دارای ابلاغ ویژه‌ای هم از جانب رئیس‌جمهور یا وزیر آموزش‌وپرورش نمی‌باشند. اما بر اساس یکی از اسناد گروه اول تولید شدند مانند راهنمای تدریس آداب و مهارت‌های زندگی و آشنایی با خدمات مشاوره در آموزش‌وپرورش. این اسناد دارای اعتبار درجه دو می‌باشند. در گروه سوم اسنادی وجود دارند مانند اسناد حوزه معاونت تربیت‌بدنی و سلامت که ویژگی‌های اسناد قبلی را ندارند و از نظر گستره مخاطبین نیز یا محدود به گروه خاصی از دانش‌آموزان یا محدود به گروه خاصی از مجریان در ارتباط با آن سند یا به صورت کلی اولیاء و مربیان می‌باشند. این اسناد از پایین‌ترین درجه اعتبار، درجه سه، برخوردارند.

جدول ۱: فهرست اسناد موردمطالعه در این پژوهش

ردیف	نام سند	تدوین‌کنندگان	مخاطبین	درجه اعتبار
۱	مبانی تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران	شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش‌وپرورش	تمام سیاست‌گذاران و برنامه ریزان وزارت آموزش‌وپرورش	۱
۲	سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش	شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش‌وپرورش	تمام سیاست‌گذاران و برنامه ریزان وزارت آموزش‌وپرورش	۱
۳	برنامه درسی ملی	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شورای عالی آموزش‌وپرورش	تمام برنامه ریزان و مؤلفین کتب درسی، معلمان در کلیه سطوح	۱
۴	هدف‌های آموزش‌وپرورش در مقاطع ابتدایی،راهنمایی، متوسطه و پیش‌دبستانی	شورای عالی آموزش‌وپرورش	سیاست‌گذاران و برنامه ریزان وزارت آموزش‌وپرورش	۱
۵	راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی و دینی	شورای عالی آموزش‌وپرورش	مؤلفین کتب درسی و تمام برنامه ریزان آموزشی و تربیتی وزارت آموزش‌وپرورش	۱
۶	معرفی برنامه آداب و مهارت‌های زندگی(سبک	دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی	معلم‌های مدرس درس تفکر و سبک زندگی	۲

	زندگی) در دوره اول متوسطه			
۷	دستورالعمل اجرایی ارتقاء سلامت نوجوانی	دفتر سلامت و تندرستی معاونت تربیت‌بدنی و سلامت آموزش‌وپرورش	کارکنان و دانش‌آموزان دبیرستان‌های شبانه‌روزی دوره متوسطه دوم	۳
۸	طرح مدارس مروج سلامت	دفتر سلامت و تندرستی معاونت تربیت‌بدنی و سلامت آموزش‌وپرورش، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت	کارکنان، دانش‌آموزان و اولیاء و مربیان مدارس مجری طرح	۳
۹	راهنمای خود مراقبتی برای زندگی عاری از اچ آی وی و ایدز	دفتر سلامت و تندرستی معاونت تربیت‌بدنی و سلامت آموزش‌وپرورش، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت	دانش‌آموزان دوره متوسطه	۳
۱۰	کتابچه آشنایی با خدمات راهنمایی و مشاوره در آموزش‌وپرورش	اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش‌وپرورش	متصدیان امر مشاوره در آموزش‌وپرورش و مشاوران مدارس	۲

تحلیل گفتمان انتقادی اسناد ردیف ۱، ۲ و ۳ از جدول شماره ۱

این سه سند ، از یک نوع پیوستگی منطقی برخوردار می‌باشند. به این معنی که *«برنامه درسی ملی»* مبتنی بر *«سند تحول بنیادین»* بوده و سند تحول نیز بر اساس *«مبانی نظری تحول بنیادین»* نگاشته شده است. بنابراین، باید آنها را در کنار هم و به صورت یک بسته تحلیل کرد.

در بین اسناد فرادستی تنها سندی که به تربیت جنسی به طور واضح اشاره کرده است، سند *«مبانی نظری تحول بنیادین»* می‌باشد که «تربیت جنسی» ذیل قلمرو ساحت تربیت زیستی و بدنی معرفی شده است The Theoretical Basics of Fundamental Evolution in the Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, 2011, P. 305). اما ازآنجاکه در متون و منابع علمی مربوط به تربیت جنسی از هدایت و جهت‌دهی میل یا غریزه جنسی صحبت به میان می‌آید، تمام مواردی که سند به امیال و غرایز اشاره دارد را باید دارای دلالت‌هایی عام برای تربیت جنسی دانست. به ویژه در هدف‌های تربیت زیستی و بدنی به «پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازهای جسمی و روانی خویش از طریق تعدیل غرایز و تمایلات و عواطف طبیعی»

(The Theoretical Basics of Fundamental Evolution in the Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, 2011, P. 156) اشاره شده است. همچنین، در توضیح هدف‌های ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی که دارای محوریت و اولویت نسبت به سایر شئون می‌باشند، (The Theoretical Basics of Fundamental Evolution in the Formal Education System of the Islamic Republic of Iran,2011,P. 122,123) نیز بر «مهار غرایز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات، تقویت اراده و خویشتن‌داری» (The Theoretical Basics of Fundamental Evolution in the Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, 2011, P. 154) تأکید شده است.

در *«سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش»* تنها گزاره‌هایی که می‌توان آنها را با تربیت جنسی مرتبط دانست، اشاره به موضوع‌هایی مانند حیا، عفاف و حجاب می‌باشد. علاوه بر آن تنها مورد دیگری که می‌توان آن را به تربیت جنسی مرتبط دانست، توجه به بلوغ و اقتضائات آن می‌باشد. صریح‌ترین توجه سند به مقوله عفاف و حجاب را می‌توان در بند نهم از بیانیه ارزش‌های فصل دوم، بند یکم از هدف‌های کلان فصل پنجم، راهکار۲-۱ از هدف عملیاتی یکم فصل هفتم، راهکار سوم از هدف عملیاتی دوم فصل هفتم، راهکار۱۴-۲ از هدف عملیاتی چهاردهم فصل هفتم مشاهده نمود. در بندهای ۱۶-۲ و۱۶-۳ از هدف عملیاتی شانزدهم فصل هفتم به رعایت و توجه به اقتضائات دوران بلوغ اشاره شده و از آن حیث که بلوغ جنسی از ابعاد مهم دوران بلوغ است می‌تواند دلالت‌هایی برای تربیت جنسی نیز داشته باشد. همین نگاه دوباره در سند *«برنامه درسی ملی»* به عنوان یکی از زیر نظام‌های سند تحول تکرار شده است. در بخش دوم سند با عنوان «چشم‌انداز» در توصیف صفات نسل ایده آل(National Curricullum, 2013, P. 8) و فصل هفتم ذیل عنوان «شایستگی‌های پایه» (National Curricullum, 2013, P. 18) به پاک‌دامنی و حیا اشاره می‌شود. در قسمت پنجم از بخش هشتم سند و در توضیح قلمرو حوزه یادگیری «سلامت و تربیت‌بدنی» در آخرین مورد «بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی» دیده می‌شود.

در مرحله توصیف، نشانه‌های گفتمان مدار متن- یعنی واژه‌هایی که بار ارزشی و مفهومی مشخصی دارند- مورد توجه است. استفاده از اصطلاح «تربیت جنسی» در سند *«مبانی نظری تحول بنیادین»*، نشان از پذیرفته شدن اهمیت هدایت بعد جنسی متربیان در سطح آموزش‌وپرورش دارد. استفاده از عبارت «تعدیل غرایز و تمایلات و عواطف طبیعی» در هدف‌های ساحت زیستی و بدنی نشان می‌دهد که میل یا غریزه جنسی حالت‌هایی افراطی و تفریطی دارد که هیچ‌کدام مورد تأیید نبوده و تعدیل موردنظر است. اما با توجه به حاکمیت ساحت اعتقادی، عبادی، اخلاقی بر سایر ساحت‌های تربیت و اینکه در این ساحت به «مهار غرایز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات، تقویت اراده و خویشتن‌داری» اشاره شده است، دامنه تعدیل محدودتر

شده و مهار در مواردی جای آن را می‌گیرد. همچنین، تأکید سند بر تقویت اراده و خویشتن‌داری نشان می‌دهد تعدیل از جنس مهار و تقویت نیست. بنابراین، سه راهبرد در برابر سه موضوع پیشنهاد شده است مهار، تعدیل و تقویت در برابر غرایز، عواطف و تمایلات؛ و اراده. آنچه مسلم است غرایز، عواطف و تمایلات از جنس اراده نیستند که تقویت شوند. به‌بیان‌دیگر، در معنی تعدیل و مهار، مفهومی از تقویت نباید وجود داشته باشد. ضمن اینکه، اشاره به مهار نشان می‌دهد تعدیل بیانگر مفهوم موردنظر نویسندگان از راهبرد اصلی در برابر غرایز نبوده و با اشاره به مهار، مفهوم تعدیل روشن‌تر می‌شود؛ یعنی گرایش به سمت مهار نزد نویسندگان بیشتر استنباط می‌شود.

با نگاهی به برخی کاربردهای واژه «مهار» در فارسی می‌توان دریافت که این واژه معمولاً در مواقعی به کار می‌رود که با پدیده‌ای منفی مانند «مهار بیماری»، «مهار تورم»، «مهار سیلاب» و «مهار حریق» مواجه باشیم. واژه‌ای که می‌تواند وضعیت مقابل «مهار» را توصیف کند، «طغیان» است. اصولاً وقتی چیزی قابلیت «طغیان» دارد باید به فکر «مهار» آن بود. ازاین‌رو، در بازنمایی نهایی نویسندگان از غرایز، امیال و عواطف انسانی که بعد جنسی را نیز شامل می‌شوند، ویژگی طغیان کنندگی آنها بیشتر مورد توجه بوده است. بنابراین، در این قسمت گرایش به دیدن تهدیدهای میل جنسی بیشتر استنباط می‌شود. این گرایش در اسناد بعدی نیز دیده می‌شود، چنانکه، در آن اسناد تنها نشانه واضحی که می‌توان آن را در راستای تربیت جنسی دانست، اشاره‌هایی به موضوع حیا، عفاف و حجاب می‌باشند که دلالت‌های آشکاری در محدود کردن ارضای جنسی به شمار می‌روند. عفت معانی گسترده‌ای دارد اما «در بیشتر روایات، عفت، به معنای «ترک محرمات جنسی» آمده است و به کسی عفیف می‌گویند که پاک‌دامن باشد.» (Faqihi, 2013, P 208). همراهی عفاف و حجاب نیز دلالت جنسی عفاف را بیشتر می‌کند. مطهری با اشاره به فلسفه حجاب نشان می‌دهد که هدف اساسی در حجاب معطوف به امر جنسی است. «حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد.» (Motahhari, 2006, P. 76). به‌بیان‌دیگر، پیام و هدف اساسی حجاب ایجاد قالبی خاص برای ارضای جنسی است. به این ترتیب باید گفت گرانیگاه مفهومی حیا، عفاف و حجاب، منحرف نشدن میل جنسی از مسیر صحیح بوده و بر این اساس باید آنها را راهبردهایی سلبی در تربیت جنسی دانست. تکرار این واژه‌ها در موارد مختلف نشان از نوعی گرایش و اولویت بخشیدن به راهکارهای سلبی در تربیت جنسی دارد. بدین ترتیب، شاهد عبارت بندی افراطی در متن به معنی «کاربرد نامعمول شمار زیادی از کلمات تقریباً هم‌معنا در عبارت بندی» هستیم. این پدیده نشان‌دهنده

شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است (Fairclough, 2000, P. 176). به‌بیان‌دیگر، جنبه‌های فساد انگیز واقعیت میل جنسی بیشتر مورد توجه متن بوده که با نگاه مبتنی بر «مهار غرایز» در سند *« مبانی نظری تحول»* تطابق دارد. از سوی دیگر، در جنبه‌های ایجابی تنها به عبارت کلی «توجه به اقتضائات و شرایط روحی دوران بلوغ» در سند تحول و «بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی» در سند برنامه درسی ملی اشاره شده است. واضح است که این عبارت بسیار کلی بوده و مرتبط کردن آنها با تربیت جنسی وابسته به تفسیر مجریان خواهد بود. بنابراین، در پرداخت به جنبه‌های ایجابی شاهد عدم صراحت و مبهم‌گویی هستیم.

از نظر تفسیر بافت موقعیتی، به نظر می‌رسد هدف اساسی تدوین *سند «مبانی نظری تحول»* این است که برای نظام تربیت رسمی و عمومی مبنایی نظری به دور از ارزش‌ها و آرمان‌های مدرنیته غربی و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی فراهم شود (The Theoretical Basics of Fundamental Evolution in the Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, 2011, PP. 14, 15) که بر اساس آن بتوان تحولی بنیادی در آموزش‌وپرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی- ایرانی ایجاد نمود (Document of Fundamental Evolution in Education, 2011). دست‌اندرکاران تولید این اسناد یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش‌وپرورش هر دو از نهادهای حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران بوده و رئیس‌جمهور ریاست هر دوی آنها را بر عهده دارد. بنابراین، در راستای حاکمیت ارزش‌ها و آرمانهای جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند. در متن این سند، زبان به نحوی به کار رفته و واژه‌گزینی‌ها طوری انجام شده‌اند که گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان بومی و استقلال‌طلبانه در مقابل فرهنگ غربی و وابسته به غرب تقویت شود. ازاین‌رو، نگاه متن به تربیت جنسی متأثر از ارزش‌ها و چهارچوب جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

توجه به بافت بینامتنی اسناد نیز نشان می‌دهد که هر چه اسناد از حالت نظری خارج شده و به سطح عملیاتی نزدیک می‌شوند، گفتمان حاکم بر متون از گفتمان‌های لیبرال فاصله گرفته و به گفتمان‌های محافظه‌کار نزدیک می‌شود. شاهد این ادعا آن است که در سند *«مبانی نظری تحول»* که یک سند کاملاً نظری می‌باشد، تربیت جنسی ذیل ساحت تربیت زیستی و بدنی به طور آشکار مورد تأکید قرار می‌گیرد و نوع پرداختن به آن نشان از تقویت مفاهیمی چون سلامت جنسی، بهداشت باروری و بهداشت جنسی دوران بلوغ دارد. هرچند که راهبرد اساسی آن مهار غریزه جنسی است، اما این نگاه در *«سند تحول بنیادین»* و *«برنامه درسی ملی»* که به حوزه‌های عملیاتی آموزش‌وپرورش نزدیک‌اند، تنها به راهبردهای محدودکننده

ارضای جنسی با تأکید بر حیا، عفاف و حجاب منحصر می‌شود. بدین ترتیب، مجموعه این متون دارای سطح پایینی از بینامتنیت بوده و گرایش آشکاری به گفتمان‌های محافظه‌کار اخلاق‌گرا در تربیت جنسی دارند.

برای تحلیل فراروایت‌ها و ایدئولوژی حاکم بر این متون در مرحله تبیین، توجه به این نکته راهگشا است که این اسناد طی سال‌های ۸۶ الی ۹۱ تدوین شدند که مصادف است با روی کار آمدن دولتی که شعار اصلی آن عدالت‌خواهی و بازگشت به شعارها و ارزش‌های دهه اول انقلاب اسلامی است. به‌طوری‌که این دولت «طرح‌هایی را به منظور ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزشی مبتنی بر آن ارزش‌ها [ارزش‌های دهه اول انقلاب اسلامی] پیشنهاد داد.» (Sajjadi, 2015, P. 827).

ازآنجاکه رئیس‌جمهور در هر دو نهاد دست‌اندرکار تولید این اسناد، مقام ریاست را بر عهده داشته است، به نظر می‌رسد این اسناد متأثر از شعارها و آرمانهای جنبش عدالت‌خواهی در آن دوران بوده و سعی دارد تا فاصله خود را با متون رقیب غربی حفظ کند.

توجه ویژه این اسناد به موضوع عفاف و حجاب با در نظر گرفتن جایگاه این ارزش‌ها در گفتمان جمهوری اسلامی ایران، فهم ایدئولوژی حاکم بر این اسناد را تسهیل خواهد کرد. کشف حجاب رضاخانی در ۱۳۱۴ ه.ش که قسمتی از پروژه غربی سازی ایران محسوب می‌شود (Abrahamian, 1982)، آغازگر تبدیل حجاب از حکمی صرفاً فقهی به موضوعی سیاسی است. مبارزه مردم به رهبری روحانیون با این طرح (Salah, 2009) موضوع حجاب را به کانون کشمکش نیروهای غرب‌گرا و نیروهای مذهبی تبدیل نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پیروزی نیروهای مذهبی کوشش شد تا نمادهای اسلامی احیا و نمادهای غربی امحاء شوند. حجاب یکی از نمادهایی است که در دوره جدید احیا می‌شود. قوانین متعددی که در رابطه با حجاب تصویب شدند از تبصره ذیل ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (Kaviyani, 1997, P. 153) تا مصوبات جلسات ۴۱۳ و ۵۶۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی و جلسه ۴۲۷ شورای فرهنگ عمومی همه نشان از اهتمام ویژه جمهوری اسلامی به مقوله حجاب دارد.

حجاب پس از انقلاب اسلامی به نشان ویژه جمهوری اسلامی و معیاری برای سنجش پایبندی آن به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی– انقلابی تبدیل شد. تبدیل شدن عفاف و حجاب–که از راهبردهای سلبی در تربیت جنسی به شمار می‌رود– به ارزش‌هایی ایدئولوژیک و در پیوند با ساخت نظام قدرت در ایران پس از انقلاب اسلامی از بسترهای اجتماعی– سیاسی شکل‌گیری گفتمان مهار محور این متون در تربیت جنسی است.

تحلیل گفتمان انتقادی اسناد ردیف‌های ۴ و ۵ از جدول شماره ۱

در مجموعه مصوبه‌های شورای عالی آموزش‌وپرورش، مصوبه‌های مربوط به *«هدف‌های آموزش‌وپرورش در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش‌دبستانی»* و *«راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی و دینی در مقاطع تحصیلی مختلف»* مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. در مجموعه هدف‌های آموزش‌وپرورش آنچه می‌تواند برای تربیت جنسی دلالت داشته باشد، به طور عمده حول محور حیا، عفاف و پوشش و آراستگی اسلامی و محرم و نامحرم از یک‌سو و توجه به سلامتی و بهداشت از سوی دیگر بوده است (Set Approvals of Higher Council of Education,vol 2, 2011).

در سند *«راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی و دینی»* ضمن تأکید بر مفاهیم حیا، عفاف و حجاب، به موضوع‌هایی مانند «بلوغ و احکام خاص آن» و «غریزه جنسی، ازدواج و خانواده» نیز پرداخته شده است که دلالت‌های جزئی‌تری برای تربیت جنسی دارند (Set Approvals of Higher Council of Education,vol 2, 2011). از نظر توصیف ظاهر متن و نشانه‌های گفتمان مدار آن، تأکید سند بر مفاهیم محرم و نامحرم، حیا و عفاف، پوشش و وضع ظاهری و آراستگی اسلامی و منطبق بر موازین دینی همه یک نقطه اشتراک مهم دارند و آن تأکیدی است که این مفاهیم بر راهبرد پیشگیری و مهار دارند. مفاهیم محرم و نامحرم بر محدودیت‌هایی در روابط و معاشرت‌های دو جنس زن و مرد تأکید دارد و با پذیرش آن روابط جنسی زن و مرد به صورت مشخص و معینی محدود می‌شود. نگاه سلبی حاکم بر حیا و عفاف نیز پیش‌تر توضیح داده شد.

در این گزاره‌ها نوع نگاه به بلوغ بیشتر بیانگر تمایل تولیدکنندگان متن به محور قرار دادن احکام بلوغ دارد، البته این توجه به احکام بلوغ دور از انتظار هم نمی‌تواند باشد؛ زیرا نویسندگان در مقام بیان هدف‌های درس تعلیم و تربیت اسلامی می‌باشند. علاوه براین، عبارت «احکام خاص بلوغ» حاکی از آن است که نویسندگان از به کار بردن عبارتی که نشان‌دهنده احکام جنسی دوره بلوغ باشد پرهیز نموده‌اند که خود بیانگر تمایل به کمرنگ کردن توجه مستقیم به مقوله‌های جنسی است. تنها در مواردی به لفظ غریزه جنسی اشاره شده است که نخست به نقش آن در تکامل و انحطاط فرد اشاره شده (حیطه شناختی) سپس گرایش به هدایت صحیح غریزه جنسی (حیطه عاطفی) و سرانجام به حفظ کرامت و منزلت انسانی با دوری از گناه اشاره شده است (حیطه رفتاری). با توجه به پیوستگی حیطه‌های یادگیری و تجلی نهایی آن در رفتار، چنین به نظر می‌رسد دغدغه نویسندگان سند این بوده که فرد دچار گناه در زمینه جنسی نشود.

کاربرد اصطلاح «غریزه جنسی» نشان دیگری است بر وجود نگاه بدبینانه به واقعیت میل جنسی انسان. مطهری ضمن توضیح در مورد فطرت به غریزه اشاره کرده و می‌نویسد: « [غریزه] بیشتر در مورد حیوانات به

کار برده می‌شود و کمتر در مورد انسان به کار می‌رود.» (Motahhari, 1991, P. 31) و اصولاً برخلاف فطرت که اشاره به مسائل انسانی محض دارد «غریزه در حدود مسائل مادی زندگی حیوان است.» (Motahhari, 1991, P. 34). بنابراین، «غریزه جنسی» به جنبه حیوانی زندگی انسان در مقابل گرایش‌ها و تمایلات عالی انسانی اشاره دارد. این امر حاوی پیامی مبنی بر دور بودن حقیقت این میل از فضایل و ارزش‌های انسانی می‌باشد.

تأکید بر ازدواج و تشکیل خانواده پس از پرداختن به «غریزه جنسی» نشان از آن دارد که از نظر تولیدکنندگان سند، میل جنسی نباید سرکوب شود و کارکرد اساسی آن ازدواج و تشکیل خانواده است. ازاین‌رو، باید گفت بازنمایی نهایی بعد جنسی انسان در نظر تولیدکنندگان سند به گونه‌ای است که اگر در خدمت تشکیل خانواده قرار نگیرد، ضد ارزش بوده و به صورت مستقل از خانواده مفهومی ندارد. از حیث نشانه‌شناسی، اساسی‌ترین نشانه‌ای که بر تعدیل جنسی دلالت دارد، همین اشاره به ازدواج و تشکیل خانواده است که باید آن را نگاهی در راستای توجه به فرصت‌های میل جنسی برای زندگی سعادتمندانه متربی تلقی نمود.

از نظر تفسیر بافت موقعیتی، توجه به این نکته که این اسناد مصوبه شورای عالی آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی هستند، حاکی از آن است که هدف از تدوین این اسناد جدای از هدف‌های حاکم بر آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی نبوده و دست‌اندرکاران تولید این اسناد در چهارچوب ارزش‌ها و آرمانهای جمهوری اسلامی حرکت می‌کنند. ضمن اینکه مخاطبین این اسناد یعنی برنامه ریزان و سیاست‌گذاران آموزش‌وپرورش و مؤلفین کتب درسی نیز همگی زیرمجموعه آموزش‌وپرورش بوده و متأثر از ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر آن می‌باشند. بنابراین، زبان نیز مطابق نظم گفتمانی متأثر از آن ارزش‌ها و آرمان‌ها به کار رفته است. ازآنجاکه در هر دو متن بر مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و اخلاقی در تربیت جنسی تأکید شده و دستورات و احکام دینی مربوط به موضوع‌های جنسی در کنار ازدواج و خانواده تبیین شده‌اند، بنابراین باید گفت اسناد از بینامتنیت پایینی برخوردار بوده و گرایشی اساسی به گفتمان‌های محافظه‌کار در تربیت جنسی داشته و فاصله معنی‌داری با گفتمان‌های لیبرال یا انتقادی و پست‌مدرن دارند.

در مرحله تبیین، علاوه بر آنچه پیش‌تر پیرامون تأثیرپذیری متن از ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی در موضوع‌های حیا، عفاف و حجاب گفته شد، پرداختن به احکام فقهی مربوط به موضوع‌های جنسی با عنوان «احکام خاص دوران بلوغ» بیانگر است که سند متأثر از دیدگاه فقاهتی حاکم بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. در خدمت ازدواج دیدن میل جنسی و خانواده گرایی آن نیز نشان دیگری است از

تأثیرپذیری سند از خانواده گرایی جمهوری اسلامی که در مقدمه و اصل دهم قانون اساسی خود را نشان داده است (The Set of Basic and Civil Rules,1991, PP. 15, 16).

تحلیل گفتمان انتقادی اسناد ردیف ۶ و ۱۰ جدول شماره ۱ (اسناد درجه ۲)

در سند «*معرفی برنامه آداب و مهارت‌های زندگی (سبک زندگی) در دوره اول متوسطه*» از فصل اول بخش دوم کتاب راهنمای تدریس «تفکر و سبک زندگی» پایه هفتم، مفهوم سبک زندگی بر اساس شش وظیفه اصلی انسان طرح شده است که آخرین مورد آن وظیفه مهرورزی و تولید نسل است. در این قسمت، متن متأثر از اندیشه‌های آلفرد آدلر[1] در مورد درخت سبک زندگی، بین رفتار جنسی و رفتار مهرورزانه ارتباط برقرار کرده و سخن از «وظیفه جنسی» به میان می‌آورد که برای انجام آن نیاز به بیشترین صمیمیت و همکاری بین دو جنس وجود دارد (Thinking and Life Style, 2013).

در توضیح هدف‌ها و رویکردهای برنامه درسی آداب و مهارت‌های سبک زندگی، مفاهیمی مانند حیا، عفاف و پوشش مورد تأکید قرار گرفته‌اند. علاوه براین، از لزوم برخورد عاقلانه با پدیده بلوغ، شناخت فرایند آن و مراقبت‌های بهداشتی در این دوره نیز سخن به میان آمده است(Thinking and Life Style, 2013).

در مرحله توصیف، واژه‌گزینی‌های انجام شده در توضیح ابعاد نظری سبک زندگی نشان از به رسمیت شناختن میل جنسی و ابعاد مختلف آن دارد. تأکید بر «وظیفه جنسی»، تحولات جنسی مانند عادت ماهیانه و محتلم شدن، رفتار جنسی و مهرورزی همه نشانه‌هایی از این رویکرد هستند. اما در بیان هدف‌ها و رویکردها که حالت تجویزی دارند، به موضوع حیا، عفاف و حجاب و پوشش توجه شده و در مواردی که به بلوغ اشاره می‌کند، عدم صراحت در پرداختن به جنبه‌های جنسی آن مشاهده می‌شود. تفسیر بافت موقعیتی سند نیز حاکی از آن است که با توجه به اینکه برنامه آموزش مهارت‌های زندگی ریشه در آموزه‌های «صندوق کودکان ملل متحد»[2] و «سازمان بهداشت جهانی[3]»دارد، اما متن بر حفظ هویت اسلامی ایرانی و دوری از فرهنگ غالب غربی با تمرکز بر ارزش‌های خاص جمهوری اسلامی تأکید بسیاری دارد (Thinking and Life Style, 2013) و زبان همچنان در جهت تثبیت ارزش‌ها و نگاه خاص جمهوری اسلامی در موضوع‌های جنسی به کار رفته است.

---

1. Adler.
2. United Nations Children's Fund (UNICEF)
3. World Health Organization (WHO)

سطح نسبتاً بالایی از بینامتنیت در سند دیده می‌شود؛ زیرا هم از افکار آلفرد آدلر و گرایش لیبرال او به موضوع‌های جنسی در بعد نظری تأثیر پذیرفته و هم در ابعاد تجویزی بر آموزه‌های اسلامی تأکید دارد. بنابراین، کشمکشی بین گرایش به گفتمان‌های محافظه‌کار و لیبرال تربیت جنسی مشاهده می‌شود. البته این بینامتنیت خود ناشی از تأثیرپذیری سند در سطح فرامتنی از ارزش‌های جمهوری اسلامی و نگاه ویژه آن به مقوله‌های جنسی می‌باشد. علاوه براین، آموزش آداب و مهارت‌های زندگی از اساس موضوعی غربی و مبتنی بر توصیه‌های«صندوق کودکان ملل متحد» و «سازمان بهداشت جهانی» تلقی می‌شود و صراحت متن در حوزه نظری نیز ناشی از همین تأثیرپذیری است.

دومین سند در مجموعه اسناد درجه دو، کتابچه *«آشنایی با خدمات راهنمایی و مشاوره در آموزش‌وپرورش»* است که توسط اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش‌وپرورش و برمبنای راهکار ۲۱-۴ سند تحول بنیادین، با موضوع راهنمایی و مشاوره در آموزش‌وپرورش، به منظور اجرایی کردن آن تدوین شده است. در متن سند اشاره مستقیمی به موضوع‌های مرتبط با تربیت جنسی نشده است و تنها در ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره بر ضرورت توجه به نیازهای سنی دانش‌آموزان به ویژه در دوره بلوغ و ویژگی‌های بلوغ و اقتضائات آن تأکید شده است. این امر می‌تواند دلالتی عام برای تربیت جنسی در دوره بلوغ محسوب شود (An Introduction to Consultation Service, 2015). این درحالی است که در پیوست شماره ۲ این کتابچه با عنوان «دستورالعمل صندوق ارتباط با مشاور» در این خصوص که چگونه باید مشاوران موضوع‌های مطرح شده در صندوق ارتباط با مشاور را دسته‌بندی کنند و به مقامات مافوق گزارش دهند، نگاه خاص سند به موضوع‌های جنسی آشکار شده است. در این دستورالعمل توصیه شده است چنانچه نامه‌های دانش‌آموزان حاوی مسائل«اخلاقی- جنسی» بود، مشاوران به لحاظ حساسیت موضوع با رعایت رازداری کامل به مطالعه در آیات و روایات در مورد جایگاه توبه در مکتب انسان‌ساز اسلام و شیوه‌های مشورت بپردازند (An Introduction to Consultation Service,2015,P.53).

چنانکه ملاحظه می‌شود سند در زمینه جنبه‌های ایجابی تربیت جنسی مانند اطلاع‌رسانی در زمینه بلوغ جنسی، بهداشت و سلامت جنسی، معرفی جایگاه و فرصت‌های میل جنسی برای دانش‌آموزان سکوت کرده و تنها با کلی‌گویی در توجه به بلوغ از این موضوع عبور کرده است. این تمایل به سکوت و سخن نگفتن در حالی است که برای بیان احتمالی موضوع‌های جنسی در صندوق ارتباط با مشاور راهکارهایی فراهم شده است. اما در بیان صریح موضوع‌های مرتبط با تربیت جنسی در فضای علنی و رسمی فرصتی ایجاد نمی‌شود. لذا، متن ضمن اینکه از طرح صریح جنبه‌های ایجابی موضوع‌های جنسی طفره می‌رود، نسبت به جنبه‌های

انحرافی آنکه ممکن است در صندوق ارتباط با مشاور مطرح شود، موضع دارد. به‌عبارت‌دیگر، بیش از پیشگیری به درمان و بیش از فرصت‌ها به تهدیدها توجه شده است.

مطرح شدن «توبه» در زمینه‌ای که سخن از امر جنسی است، نشان از پیوندی دارد که متن بین امر جنسی و «گناه» برقرار کرده و شاهد دیگری است از بازنمایی منفی امر جنسی در متن. این بازنمایی منفی وقتی بیشتر تقویت می‌شود که متن ناهنجاری‌های اخلاقی را با انحراف جنسی معادل قرار می‌دهد (An Introduction to Consultation Service, 2015, P. 55) آن‌چنان‌که گویی انحراف جنسی منجر به از بین رفتن تمام اخلاق می‌شود. در تحلیل بافت موقعیتی توجه به این نکته لازم است که این سند با هدف پیاده‌سازی راهکارهای سند تحول در حوزه مشاوره نوشته شده است. بنابراین، انعکاس‌دهنده نگاه مهار محور سند تحول در امر جنسی می‌باشد و زبان نیز در خدمت همان نگاه به کار رفته است. بدین ترتیب، متن گرایش زیادی به گفتمان‌های محافظه‌کار در تربیت جنسی دارد و از بینامتنیت پایینی برخوردار است. علاوه براین، چون این سند به عنوان یکی از اسناد منتج از سند تحول بنیادین محسوب می‌شود متأثر از همان فراروایت‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که سند تحول بنیادین بر مبنای آنها نگاشته شده است.

تحلیل گفتمان انتقادی اسناد ردیف ۷،۸ و ۹ از جدول شماره ۱(اسناد درجه۳)

در دستورالعمل اجرایی برنامه «*ارتقای سلامت دوره نوجوانی*»[۱] بهداشت بلوغ، باروری و پیشگیری از بیماری‌های خاص این دوران از هدف‌های طرح ذکر شده‌اند. با بررسی این طرح مشاهده می‌شود با وجود اشاره به سلامت باروری و بلوغ در هدف‌های آن، انتظار می‌رود به مسائل ویژه سلامت یا بهداشت جنسی پرداخته شود، این درحالی است که در جداول مربوط به غربالگری بیماری‌های گوناگون که در بخشنامه پیوست آن وجود دارد، به هیچ‌یک از اختلالات دستگاه تولیدمثلی یا اندام‌های جنسی اشاره نشده است و در متن نوعی سکوت در این موارد مشاهده می‌شود. نکته دیگر اینکه این طرح یک طرح آزمایشی و فقط خاص مدارس شبانه‌روزی است. البته مطرح شدن موضوع سلامت باروری خود نیز دلالت‌هایی دارد. از جمله اینکه موضوع سلامت جنسی موضوعی مهم بوده و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. ضمن اینکه عدم اشاره مستقیم به بحث سلامت جنسی و استفاده از واژه بهداشت باروری نشان‌دهنده وجود تمایلی در متن به سکوت درباره مسائل جنسی است.

---

۱. این دستورالعمل توسط معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش به شماره ۱۸۳۴۲۳ و در تاریخ ۹۳/۹/۸ به ادارات کل آموزش و پرورش استانهای سراسر کشور ابلاغ شده است.

در کتابچه *«مدارس مروج سلامت»* ویژه مجریان در بحث از اولویت‌های بهداشتی نوجوانان به موضوع‌های جنسی مانند حاملگی‌های ناخواسته، پیشگیری از ایدز و بیماری‌های آمیزشی (Health Promoting School(for Executor), 2012, PP. 21, 22) و نیز آشنایی دانش‌آموزان با نحوه تغییرات جسمی در دوران بلوغ و چگونگی حفاظت از خود در برابر تهدیدات مواد مخدر و ایدز (Health Promoting School (for Executor), 2012, P. 74) اشاره شده است. در قسمت‌هایی از متن تأکید می‌شود که نوجوان باید با تغییرات بدنی و بلوغ جنسی و توانایی‌های تولیدمثلی خود و نیز علت گرایش به جنس مخالف آشنا شود.

در کتابچه *«مدارس مروج سلامت»* ویژه اولیا و مربیان، صریح‌ترین اشاره‌ها به موضوع‌های جنسی مشاهده می‌شود. در فصل اول به تشریح کامل اندام‌های تناسلی مردان و زنان پرداخته شده است. در فصل سوم با عنوان «پیشگیری از ناهنجاری‌های رفتاری، آسیب‌ها و بیماری‌ها» بیماری ایدز محور توجه واقع شده است. اساسی‌ترین نکته‌ای که در پیشگیری از بیماری ایدز اشاره شده است، پرهیز از تماس جنسی غیر ایمن با این عبارت «تماس جنسی بدون استفاده از کاندوم با شریک جنسی که از وضعیت ابتلای او به ایدز و یا سایر بیماری‌های آمیزشی اطلاعی نداریم.» می‌باشد (Health Promoting School(for Parents and Teachers),2012,P.73). در فصل ششم این کتابچه با عنوان «تربیت دینی و جنسی» بیان می‌شود که آشفتگی‌های دوره بلوغ بیشتر ریشه جنسی دارند، زیرا «نوجوانان و جوانان به دلیل احساس توانایی برای عمل جنسی، تشدید انگیزه‌های جنسی،کنجکاوی در مورد مسائل جنسی، تلاش برای تعیین نقش جنسی و ترس شدید از نتایج فعالیت جنسی نسبت به امور جنسی حساس هستند.» (Health Promoting School (for Parents and Teachers), 2012, P. 113). این حساسیت که همراه با ترشح هورمون‌های جنسی می‌باشد، موجب تشدید تمایلات جنسی نوجوان شده که اگر راهی شرعی و قانونی برای «تشفی» آن مقدور نباشد، ممکن است به انحراف منجر شود(Health Promoting School (for Parents and Teachers), 2012). ملاحظه می‌شود که محور اساسی متون مدارس مروج سلامت در موضوع‌های جنسی، بحث سلامت و بهداشت جنسی است و جنبه‌های اخلاقی فروگذارده می‌شود. استفاده از عبارت «تماس جنسی غیرایمن» به جای استفاده از «تماس جنسی غیرشرعی یا غیرقانونی» از نشانه‌های این فروگذاری است. علاوه بر این، اشاره صریح به تحولات جنسی- جسمی دوره بلوغ و تأکید بر اینکه باید زمینه لازم برای آشنایی نوجوان با این تحولات فراهم شود، نشانه‌ای از به رسمیت شناخته شدن جنبه جنسی متربی و توجه به جنبه‌های ایجابی تربیت جنسی می‌باشد. نکته دیگری که قابل توجه است این است که در سخن گفتن از بعد جنسی نوجوان از واژه

میل جنسی به جای غریزه جنسی استفاده شده و به جای مهار غریزه جنسی از واژه «تشفی» میل جنسی به معنای آرام کردن آن استفاده شده است. استفاده از میل در برابر غریزه و تشفی به جای مهار، صورتی انسانی‌تر به امر جنسی بخشیده و ارضای جنسی را در اولویت قرار داده است. بنابراین، در این دو سند فرصت‌های میل جنسی بیش از تهدیدها و زمینه‌های انحرافی آن مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به بافت موقعیتی سند که در آن وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نقش داشته و نهادهایی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش‌وپرورش نقش نداشته‌اند، غلبه گفتمان بهداشت و سلامت جنسی در مقابل گفتمان مهار مبتنی بر حیا و عفاف قابل درک است. توجه صرف به جنبه‌های آناتومیک و بهداشتی تربیت جنسی و کمرنگ بودن توجه به جنبه‌های اخلاقی و خویشتن‌دارانه آن، گرایش سند به گفتمان‌های لیبرال را تقویت کرده و گفتمان‌های محافظه‌کار را به حاشیه رانده به همین دلیل، سند از بینامتنیت پایینی برخوردار است. این بینامتنیت متأثر از تأثیرپذیری سند از استانداردهای سازمان بهداشت جهانی می‌باشد؛ زیرا به اذعان مقدمه سند، این طرح ریشه در توصیه‌ها و برنامه‌های سازمان بهداشت جهانی دارد و این امر موجب شده تا سند از ایدئولوژی حاکم بر ساختار جمهوری اسلامی در مسائل جنسی کمتر تأثیر پذیرد.

آخرین سند، بروشور *«راهنمای خود مراقبتی برای زندگی عاری از اچ.آی .وی و ایدز»* است که مخاطبان اصلی آن دانش‌آموزان مدارس هستند، بازنمایی کاملاً منفی از میل جنسی دارد. این ادعا مبتنی بر نشانه‌هایی است که در سند وجود دارد از جمله اینکه «چیزی به نام رابطه جنسی ایمن وجود ندارد.» (The Pamphlet of Self-Care Guide for Free Life of H.I.V/AIDS, P. 3) و نیز در روش‌های پیشگیری از بیماری ایدز تأکید می‌شود که «مهم‌ترین راه آلودگی به این عفونت، ارتباط جنسی است. بنابراین خویشتن‌داری و پرهیز از روابط جنسی ضروری است.» (The Pamphlet of Self-Care Guide for Free Life of H.I.V/AIDS, P. 4) که آشکارا رابطه جنسی را بدون هیچ وصف مشخصی نفی می‌کند. چنانکه ملاحظه می‌شود، اساساً متن منکر وجود رابطه جنسی ایمن شده و خواستار پرهیز از هرگونه روابط جنسی شده است. درصورتی‌که می‌توانست خواستار پرهیز از روابط جنسی غیرشرعی یا خارج از محدوده خانواده شود. همراهی بیماری کشنده ایدز با رابطه جنسی منجر به تقویت بازنمایی منفی از رابطه جنسی در ذهن مخاطب می‌شود. با توجه به بستر موقعیتی این متن که مخاطبان آن را دانش‌آموزان مدارس تشکیل می‌دهند، نقش زبان در بازنمایی منفی میل جنسی به گونه‌ای است تا شرایطی فراهم شود که دانش‌آموزان به‌هیچ‌وجه به روابط جنسی گرایشی نداشته باشند. این بازنمایی کاملاً منفی سبب شده تا متن از گفتمان لیبرال خوش‌بین

به میل جنسی فاصله بگیرد و به گفتمان‌های محافظه‌کار بدبین به میل جنسی نزدیک شود و شاهد سطح پایینی از بینامتنیت باشیم.

ازآنجاکه مخاطب اصلی این متن دانش‌آموزان مدارس هستند، در تهیه آن اقتضائات خاص مدارس رعایت شده و به تبعیت از نگاه کلان آموزش‌وپرورش که تأکیدی پررنگ بر حیا و عفاف و حجاب دارد و به صراحت به موضوع‌های جنسی نمی‌پردازد، ترجیح داده شده که از اساس هرگونه رابطه جنسی نفی شود.

نتیجه

تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش‌وپرورش ایران در وضعیت موجود نشان می‌دهد که دو دال در این گفتمان قابل توجه هستند: دال مهار غریزه جنسی و دال سلامتی و بهداشت جنسی. متونی که بر مهار تأکید دارند از متون درجه یک و دو هستند؛ یعنی از اعتبار بالاتری برخوردارند و تولیدکنندگان آن از نهادهای حاکمیتی جمهوری اسلامی بوده و به دنبال پیاده‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌های خاص انقلابی و اسلامی می‌باشند. ضمن اینکه دامنه مخاطبین این اسناد نیز حوزه وسیعی شامل تمام سیاست‌گذاران، کارکنان آموزش‌وپرورش و دانش‌آموزان را در برمی‌گیرد. درحالی‌که متونی که دال بهداشت و سلامت جنسی دارند، از اعتبار درجه سه برخوردارند و از نهادهای خاص حاکمیتی فاصله آشکاری دارند. به‌بیان‌دیگر، به دنبال ارزش‌ها و آرمانهای خاص جمهوری اسلامی نبوده و وظایف و هدف‌های عمومی دارند. چنانکه اگر در هر حکومت دیگری غیر از جمهوری اسلامی هم باشند، همین وظایف و هدف‌ها را دنبال می‌کنند. مخاطبین این اسناد نیز قلمرو محدودی داشته و حتی طرح‌های مبتنی بر بهداشت و سلامت جنسی طرح‌هایی آزمایشی و پایلوت هستند. بنابراین، دال اساسی در تربیت جنسی نظام آموزش‌وپرورش ایران را باید «مهار غریزه جنسی» دانست و گفتمان حاکم را باید «گفتمان مهار» نامید. نکته دیگر اینکه متونی که دال آنها مهار غریزه جنسی است، متأثر از ایدئولوژی و ارزش‌های جمهوری اسلامی بوده و به گفتمان‌های محافظه‌کار در تربیت جنسی نزدیک هستند و در مقابل متونی که دال آنها بهداشت و سلامت جنسی است، بیشتر متأثر از ارزش‌ها و استانداردهای سازمان بهداشت جهانی‌اند و به گفتمان‌های لیبرال در تربیت جنسی گرایش دارند.

بر پایه نتایج این پژوهش می‌توان برخی ویژگی‌های گفتمان مهار را چنین برشمرد:

۱) امر جنسی از میلی انسانی به غریزه‌ای حیوانی فروکاسته شده و تهدیدی علیه زندگی اخلاقی و فضیلت مندانه انسان است. بنابراین، پیشگیری از گناه جنسی گرایش غالب است.

۲) موضوع‌های جنسی باید در فضایی غیررسمی بیان شوند و تمایل به پرده‌پوشی و سکوت وجود دارد. بیش از دانش‌آموز، اولیا و مربیان مخاطب مستقیم پیام‌های جنسی آشکار هستند. این سکوت در صورتی خواهد شکست که دانش‌آموز با انحراف جنسی مواجه شود. پس نگاه بیش از آنکه مبتنی بر پیشگیری باشد به درمان متمرکز است.

۳) این گفتمان در پی سرکوب غریزه جنسی نبوده بلکه ازدواج و تشکیل خانواده مورد تشویق و توجه است و کارکرد اساسی امر جنسی تشکیل خانواده محسوب می‌شود.

۴) این گفتمان متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی بوده و در چارچوب ارزش‌ها و آرمانهای جمهوری اسلامی باید فهم شود.

این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه پیچیدگی‌های کاربرد زبان در مقوله‌های جنسی می‌تواند معانی و مفاهیمی بسازد و گرایشی ایجاد نماید که شاید هیچ‌گاه به طور آگاهانه مورد اهتمام و توجه سیاست‌گذاران و برنامه ریزان تربیتی آموزش‌وپرورش نبوده است. در اینجا ذکر این نکته مفید است که گفتمان‌ها بیش از آنکه مبتنی بر فلسفه باشند مبتنی بر ایدئولوژی هستند و هدف این پژوهش نقد فلسفه تربیت جنسی آموزش و پرورش در وضعیت موجود نیست بلکه تحلیل گفتمان حاکم بر آن است. درواقع ممکن است آنچه به واقع بر تفکر یک فرد یا یک نهاد حاکم است، در زبان وی جلوه نکند و زبان به دلیل ملاحظات خاص سیاسی و اجتماعی طوری به کار رود که نمایانگر فلسفه و تفکر واقعی آن فرد یا نهاد نباشد. از منظر تحلیل گفتمان، زبان از جنس کنش است و چه بسا کنش‌هایی که به طور منطقی از افکار ما نشأت نگرفته باشند. باید بین فلسفه حاکم بر تربیت جنسی با گفتمان تربیت جنسی تفاوت قائل شد ممکن است فلسفه ما در تربیت جنسی تعدیل باشد اما زبانی که به کار می‌بریم گرایش بیشتری به نفی و مهار داشته باشد؛ زیرا زبان همواره متأثر از اقتضائات موقعیتی است.

مقایسه سند *«مبانی نظری تحول»* با *«سند تحول بنیادین»* می‌تواند شاهدی بر این ادعا باشد. به‌طوری که با وجود اشاره مستقیم به تربیت جنسی در مبانی نظری که می‌تواند نشانگر رویکردی ایجابی به تربیت جنسی باشد، اما در سند تحول بنیادین که به عرصه عمل نزدیک می‌شود، تنها بر عفاف و حجاب و حیا به عنوان راهبردهایی سلبی در تربیت جنسی اشاره می‌شود. به‌طورکلی، این پژوهش نشان داد که چگونه کاربرد زبان در اشکال خاص آن و در بازی‌های زبانی متأثر از بافت سیاسی- فرهنگی ویژه جمهوری اسلامی ایران منجر به ایجاد گفتمانی شد که با وجود گرایش به تعدیل میل جنسی در ساحت تربیت زیستی و بدنی مبتنی بر سند مبانی نظری تحول، آنچه در مجموع از سایر متون شنیده شده و برداشت می‌شود، تأکید بر راهبردهای سلبی

مبتنی بر عفاف و حجاب و حیا می‌باشد که نشان می‌دهد سیاست‌گذاران و برنامه ریزان تربیتی بیشتر به جنبه‌های تهدیدآمیز میل جنسی توجه دارند تا جنبه‌های مثبت و ایجابی آن. عفاف، حیا و حجاب از ارزش‌های اصیل اسلامی هستند که تربیت جنسی صحیح بدون در نظر گرفتن آنها امکان‌پذیر نیست؛ زیرا هیچ نظام تربیتی نمی‌تواند خالی از نبایدها و سلب‌ها باشد. اما به نظر می‌رسد توجه صرف به این ارزش‌ها در تربیت جنسی ضمن اینکه لازم است اما کافی نیست.

References

Abrahamian, E. (1982). *Iran between two revolutions.* New Jersey: Princeton University Press.

An Introduction to Consultation Service in Education (2015). Tehran: Educational Administration and Consulting Ministry of Education (In Persian).Retrieved from http://moshaver.medu.ir/IranEduThms/theme2/cntntpge.php?pgid=26&rcid=64&stid=moshaver

Document of Fundamental Evolution in Education (Holy Mashhad Document). (2011). Tehran: Higher Council of Education. (In Persian)

Fairclough, N. (2000). Critical and Descriptive Goals in Critical Discourse Analysis (F.Shayesteh Piran).In M.Nabavi, M. Mohajer (Eds), Critical Discourse Analysis (pp. 25-70).Tehran: Center for Media Studies and Research. (In Persian)

Faqihi, AN. (2013).Sexual Education: Fundamentals, Principles& Methods in the Quran and Hadith.Qom: Darolhadith. (In Persian)

Health Promoting School (HPS) in Islamic Republic of Iran (for Executor). (2011).Tehran: Ministry of Education (In Persian). Retrieved from: http://mboh.umsha.ac.ir/uploads/14_144_64_madares%20moravej%20salamat.pdf

Health Promoting School (HPS) in Islamic Republic of Iran (for Parent& Teacher). (2012).Tehran: Ministry of Education (In Persian). Retrieved from: http://www.gums.ac.ir/Upload/Modules/Contents/asset96/_%20_%20_%20_%20_%20_%20_%20_%20_%20_%20_%20_%20_4%20-%20Copy.pdf

Jones, T. (2011).A Sexuality Education Discourses Framework: Conservative, Liberal, Critical, and Postmodern.*American Journal of Sexuality Education*, 6(2), 133-175.doi:10.1080.15546128.2011.571935

Jorgensen, M., Phillips, L. (2010). Discourse Analysis as Theory and Method (H.Jalili). Tehran: Ney Publication. (In Persian)

Kaviyani, M. (1997). Lawyer Handbook .Tehran: Publishing center of Islamic Propaganda Organization. (In Persian)

Motahhari, M. (1991).Fetrat.Thran: Sadra Publication. (In Persian)

Motahhari, M. (2006). Masaleh Hejab. Thran: Sadra Publication. (In Persian)

Murphy, S. M. (2012). *Encountering sex education and imagining positive sex: A discoursive exploration of young people’s accounts* (Professional Doctorate thesis, University of East London, London, United Kingdom). Retrieved from http://hdl.handle.net/10552/3051

National Curricullum of Islamic Republic of Iran. (2013). Tehran: Higher Council of Education. (In Persian)

Oakley, L. (2013). Strategies of legitimation in sex education texts (Master Philosophy thesis, University of Birmingham, Birmingham, United Kingdom). Retrieved from http://etheses.bham.ac.uk/4502/

Sajjadi, M. (2015). Development discourses on the educational system of Iran: A critical analysis of their effects. *Policy Futures in Education*, 13(7), 819-834. Doi: 10.1177/1478210315569413

Salah, M. (2009). Unveiling Fields, Consequences and Reactions.Tehran: Institute of Political Studies and Researches. (In Persian)

Shorakaee Ardakani, J., Riyahi Nejad, H & Razzaghi, H. (2013). Set Approvals of Higher Council of Education (vol1& 2). Tehran: Higher Council of Education. (In Persian)

Soble, A. (2009).Philosophy of Sexuality. Retrieved from http://www.iep.utm.edu/sexualit/

The Pamphlet of Self-Care Guide for Free Life of H.I.V/AIDS. Ministry of Health and Medical Education and Ministry of Education.Tehran: Jarf Andishane Borna

The Set of Basic and Civil Rules. (1991).Tehran: Publication Jahade Daneshgahi (In Persian).

The Theoretical Basics of Fundamental Evolution in the Formal Education System of the Islamic Republic of Iran (2011). Tehran: Higher Council of Education. (In Persian)

Thinking and Life Style, Paye Haftom, Teacher Book (Guide for Teaching). (2012).Tehran: Publishing and Distributing Textbook's Company. (In Persian)

Tshelane, E. (2014). Enhancing Teachers' Professional Curriculum Practice in Sex Education in a Grade Ten Life Orientation Class. *Journal of Educational and Social Research*, *4(6), 287-294.*doi:10.5901/jesr.2014.v4n6p287.